

## متن پرسش

«نی و چه» و در نگاه نیچه..... دست آورد نیچه بعنوان نماد انسان جدید \_ نگاه نیچه به زندگی انسان به دو بخش قابل تقسیم است \_ بخش اول تذکر اوست به مسئله پوچی یا نهیلیسم که در ادبیات کهن ما با کلید واژه «نی» قابل پیگیری است \_ بخش دوم \_ نگاه نیچه و نقادی او به آنچه که به گزافه مدعی یافتن حقیقت است، متمرکز شده! که با کلید واژه پرسشی «چه؟» در تمام متون فلسفی و حکمی وجود داشته و دارد! پرسش از چیستی «چه» نقد نیچه بر متافیزیک با ترجمه این واژه غربی با واژه «مابعدالطبیعه» بیشتر روشن می‌شود تا با واژه متافیزیک! او (نیچه) بعنوان نماد هر انسان جدیدیست و دقیقاً پرسش می‌کند «چه» چیز خارج از طبیعت وجود دارد؟ «چه» چیزی بغیر آنچه یافته ایم وجود دارد؟ اگر خارج از طبیعت چیزی باشد، طبیعت دیگری خواهد بود و غیر طبیعی «نی\_ست» ..... و در نتیجه این پرسش و «چه» متوجه می‌شویم که انسان چیزی که بدان عینیت قائل است، تفسیر به رأی خویش است و طلوع بُتی است که بایست غروب یابد و ربطی به فی حد ذاته امور ندارد! لذا هیچ ربطی میانشان «نی\_ست»! و پرده مورد غفلت نهیلیسم وجه «اثباتی» آنست نه وجه «نفی» لذا نمایاندن پوچی آنچه در جایگاه حقیقت چنبره نامیمون زده کاری ساده نبوده و در میان انسانها جز از عهده و زبان و عمل اولیا الله از کسی بر نیاید، لذا «زرتشت نماد» همین خارج از دستیاب بودن است، و در قید ولایت بودن «حقیقت» است با «نی» نیچه به مولاناها اگر نگاه کنیم تفاسیر بشنو از نی چون حکایت می‌کند کاملاً افقی جدید خواهد یافت، «نی» یعنی اولیا الله \_ که وجه عملی او ابتدا در انسان نفی و نمایاندن پوچی (رژیم غاصب درون هر انسان و البته رژیم غاصب بیرون) است، جز از عهده «نی» از که بر آید؟ هیچ کس! و با «چه» نیچه اگر به متون فلسفی نگاه کنیم افق نو بوجود می‌آید که بیشتر بر شکستن نظریات پایدار است تا بر ساختن نظر \_ شکستن از جنس ابراهیم \_ ابراهیم حنیف ساز \_ و این بی شباهت تفسیر آیه قرآن است که می‌فرماید «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُكْفَرِينَ» \_ حق از سوی پروردگار توست لذا مباش از ممتزین. امتراء کننده در صد کشیدن چیزی از میان پیکره واحد به بیرون است و لذا حق و پایداری در قید «نی» است و خدا و تنها کار صالح انسان بنظر نساختن و شکستن ساخته های پوچ است \_ و این از میان برخیزیدن است که تنها حجاب موجود است.

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه خوب است که باب تفکر به نیچه را گشوده‌اید، هرچند درک اندیشه

طوفانی او آسان نیست و قصه او این چنین است که: «هرکسی از ظنّ خود شد یار من». ولی نمی توان  
نبوغ آن مرد را نادیده گرفت بخصوص با قرائت جناب هایدگر در سه جلد معروف او در رابطه با نیچه.  
و بخصوص جلد سوم آن کتاب ها. بنده خلاصه ای که از آن کرده ام در پیام رسان ایتا برایتان ارسال  
می کنم. ولی آن طور نیست که اگر پیامی در ایتا ارسال فرمایید بتوانم آن را دنبال کنم. ارتباط بنده با  
رفقا از طریق همین پرسش و پاسخ ها باید باشد. موفق باشید